Evaluation and Degree of Adherence of Regulations Related to Electronic Civil Proceedings to the Principles of Procedure

Fereidoon Nahreini [1], Hassan Mohseni [2] ✉ Mohammad Golmohammadi Panjaki [3]

1. Department of private Law, university of Tehran, Tehran,Iran,Email: f.nahreini@ut.ac.ir
2. Corresponding Author , Department of private Law, university of Tehran, Tehran,Iran Email:hmohseny@ut,ac.ir
3. Department of private Law, university of Tehran .Alborz campus,Tehran,Iran,Email: golmohammadi.moh@ut.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 2026 August 16

Revised: 2026 November 3

Accepted: 2026 November 25

Published online:

Keywords:
Electronic proceedings,
Regulations,
Principles of proceedings,

ABSTRACT

Although the regulations enacted regarding electronic civil proceedings were designed to improve judicial processes, their effectiveness remains contingent upon the observance of fundamental principles of justice. This article employs a descriptive-analytical method and utilizes library-based resources to evaluate the 'Regulation on the Implementation of Computerized and Telecommunications Systems' (2016) and the 'Executive Regulation on the Establishment of Electronic Judicial Services Offices and their Association' (2017) in terms of their adherence to the principles of fair trial. The findings indicate that while certain principles—specifically the 'principle of Expeditiousness' and the 'principle of cost-reduction in litigation'—have been emphasized in these regulations, the 'principle of equality of parties' and the 'principle of the right to a defense' have been violated in several instances. Given that these violated principles are of such critical importance, their infringement has compromised the overall efficacy of these regulations. Consequently, these regulations remain far from achieving their ultimate objective: the precise and accurate administration of justice.

Cite this article: Nahreini , F, Mohseni, H & Golmohammadi Panjaki, M. (2026).) Evaluation and Degree of Adherence of Regulations Related to Electronic Civil Proceedings to the Principles of Procedure. Private Law. . http//doi.org/ jolt-202608-1007499

© Author(s)

Publisher: University of Tehran Press

DOI: http//doi.org/jolt-202608-1007499

ارزیابی و میزان پایبندی آیین نامه های مربوط به دادرسی مدنی الکترونیکی به اصول دادرسی

فریدون نهرینی [1]، حسن محسنی [2]✉ و محمد گل محمدی پنجکی [3]

1. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: f.nahreini@ut.ac.ir. کدارکید: 0282-0000-0001-8548
2. نویسنده مسئول، گروه حقوق خصوصی، دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: hmohseny@ut,ac.ir کد ارکید:0000-0001-5930-9035
3. گروه حقوق خصوصی، پردیس البرز ، تهران، ایران. رایانامه: golmohammadi.moh@ut.ac.ir. کد ارکید: 0006-2418-3544-0009

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: 1405/5/25
تاریخ بازنگری: 1405/8/2
تاریخ پذیرش: 1405/9/4
تاریخ انتشار:

کلیدواژه‌ها:
دادرسی الکترونیکی
آیین نامه
اصول دادرسی

چکیده

آیین نامه های مصوب در زمینه دادرسی مدنی الکترونیکی ، در جهت بهبود فرایند دادرسی به تصویب رسیده اند لیکن کارایی آنها در گرو رعایت اصول بنیادین دادرسی است این مقاله با روش تحلیلی –توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه ای به ارزیابی آیین نامه های نحوه اجرای سامانه های رایانه ای و مخابراتی مصوب 1395 و آیین نامه اجرایی ایجاد دفاتر خدمات الکترونیک قضایی و کانون آنها مصوب 1396، از جهت رعایت اصول دادرسی می پردازد یافته ها حاکی از آن است که در حالی که برخی از اصول دادرسی از جمله «اصل سرعت» و « اصل کاهش هزینه های دادرسی » در این آیین نامه ها مورد تاکید قرار گرفته اند لیکن « اصل برابری اصحاب دعوا » و « اصل رعایت حقوق دفاعی » در مواردی نقض شده اند اهمیت اصول نقض شده به قدری است که کارایی آیین نامه ها را مخدوش نموده است بنابراین، این آیین نامه ها تا رسیدن به سر منزل مقصود ،که همان اجرای دقیق عدالت است فاصله دارند

نهرینی، فریدون ، محسنی ، حسنو گل محمدی پنجکی ، محمد (1405) ارزیابی و میزان پایبندی آیین نامه های مربوط به دادرسی مدنی الکترونیکی به اصول دادرسی. حقوق خصوصی

http//doi.org/ jolt-202608-1007499

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان.

مقدمه:

امروزه فناوری اطلاعات و ارتباطات بر همه بخش‌های زندگی بشر تأثیر گذاشته است و فرهنگ زندگی مردم بر مبنای این پدیده دچار تغییر شده است. تأثیر فناوری ارتباطات و اطلاعات بر دستگاه قضایی، منجر به پذیرش آیین دادرسی الکترونیکی شده است که به عنوان شاخصی پویا در اندازه‌گیری کیفیت دادرسی، در قوه قضائیه دانسته می شود (Fabri, Contini ,2003: 2) . این روند منحصر به ایران نیست؛ در اتحادیه اروپا نیز دیجیتال‌سازی عدالت به یکی از محورهای اصلی سیاست‌گذاری قضایی تبدیل شده و در سال‌های اخیر شتاب تازه‌ای گرفته است (kramer et al,2022:3) . در کشور ما قوانین و آیین‌نامه‌هایی درباره آیین دادرسی الکترونیکی به تصویب رسیده اند که« آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی» (مصوب 1395 رئیس قوه قضائیه)، ناظر بر مواد ۱۷۵ و ۱۷۶ قانون آیین دادرسی کیفری، مهم‌ترین آیین‌نامه در این باره می‌باشد. علاوه بر این، «آیین‌نامه اجرایی دفاتر و کانون خدمات الکترونیک قضایی» (مصوب1401 رئیس قوه قضاییه) در خصوص نحوه طرح دعوا، از اهمیت به سزایی برخوردار است.[1] از طرف دیگر، دادرسی‌ها تحت سیطره اصول و قواعد معینی ایجاد، جریان و خاتمه می‌یابند (محسنی، ۱۳۸۵: ۱۰۰)؛ اصولی که قواعد حاکم بر اراده انسان هستند و بی آنکه نیاز باشد در متون قانونی بیایند ، بخشی از پیکره هر نظام دادرسی به شمار می‌آیند و واجد ویژگی‌های کلی، دائمی بودن، انتزاعی و ارزشی بودن می‌باشند (محسنی، ۱۳۸۵: ۱۰۲). بنابراین تغییر شکل و آیین دادرسی باید با در نظر گرفتن و پایبندی به این اصول همراه باشد. در زمینه آیین و دادرسی الکترونیکی آثار چندی منتشر شده است . برخی از این آثار یک نهاد مشخص مانند ابلاغ را بررسی کرده اند.[2] برخی به چالش های عملی آیین و دادرسی الکترونیکی در سطح کلان پرداخته اند.[3] و دسته ای نیز به‌طور کلی درباره مبانی حقوقی دادرسی الکترونیکی و تأثیر آن

۱- زین پس به اختصار: آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۵ و آیین‌نامه مصوب ۱۴۰۱.

2-مقاله ابلاغ الکترونیک قضایی؛ مزایا و معایب نوشته حمید ابهری و مقاله چالش‌های ابلاغ (سنتی، الکترونیک، سابقه و زبان) نوشته حسن محسنی،

3- مقاله دادرسی مجازی مفهومی نوین در عدالت قضایی نوشته علی رضا مهر افشان.

بر اصول بنیادین دادرسی نوشته شده اند. لیکن بررسی آن عمدتاً در سطح مبانی و اصول کلی باقی مانده است و به جزئیات نپرداخته اند. [1] آنچه این مقاله را از آثار مشابه متمایز می‌کند،تلاش نگارندگان برای سنجش میزان پایبندی آیین‌نامه‌های مربوط به دادرسی الکترونیکی به اصول دادرسی است. به ویژه در این نوشته کوشش شده آیین‌نامه‌ها با عیار پاسداشت اصول دادرسی محک زده شود . پرسش اصلی این است که آیین‌نامه‌های مذکور تا چه میزانی پایبند به اصول بنیادین دادرسی هستند؟ فرضیه آن است که آیین‌نامه‌های مصوب ۱۳۹۵ و ۱۴۰۱ در ارتباط با اصولی که مستقیماً به کارآمدی و تسریع رسیدگی مربوط هستند ، پایبندی بیشتری دارند اما، در ارتباط با اصولی که ناظر بر تضمین‌های دادرسی منصفانه اند پایبندی کمتر است. شیوه کنونی را می‌توان به‌گونه‌ای دید که در طراحی مقررات، کاهش اطاله دادرسی در اولویت بوده و ریسک‌های ناشی از فناوری عمدتاً بر اصحاب دعوا نهاده شده است. در این پژوهش، پایبندی آیین‌نامه به یک اصل دادرسی بدین معنا است که مقررات آن در مراحل پنجگانه ثبت دادخواست، ارجاع، ابلاغ، نیابت و رسیدگی از راه دور، تحقق آن اصل را تسهیل و تقویت یا با مانع مواجه و یا تضعیف کرده است . این پنج موضوع در اجرای اصول دادرسی بررسی می شوند و در زمره اصولی قرار می گیرند که در چنبره اصول ناظر بر کارایی و اصول ناظر بر تضمین‌های دادرسی منصفانه قرار دارند. قلمرو این پژوهش به آیین‌نامه‌های مربوط به دادرسی مدنی الکترونیکی محدود است. بنابراین ارزیابی جامع انطباق اصول دادرسی با این نوع دادرسی در تمامی مراحل، از تقدیم دادخواست تا صدور و اجرای حکم، و در سطح همه قوانین، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های این حوزه، خارج از دامنه این پژوهش بوده و می‌تواند موضوع پژوهش‌های دیگر قرار گیرد.

دادخواست و اثرپذیری آن از مقررات آیین دادرسی الکترونیکی:

تقدیم دادخواست، اعمال «اصل ابتکار عمل خصوصی» خواهان در آغاز نمودن دادرسی است (محسنی، ۱۳۹۷: ۱۲۱). در روش الکترونیکی، دادخواست به واسطه فناوری اطلاعات و ارتباطات و از طریق سامانه‌های وابسته به سیستم قضایی تنظیم و ارسال می‌شود. به موجب ماده ۲ آیین‌نامه مصوب ۱۴۰۱، امکان طرح دعوا

1- مقاله مبانی حقوقی و تأثیرات دادرسی الکترونیکی بر اصول بنیادین دادرسی در نظام حقوقی ایران نوشته علیرضا پور ملائی و همکاران.

از طریق دفاتر خدمات الکترونیک قضایی یا درگاه و با استفاده از سامانه‌های الکترونیکی و مخابراتی صورت می‌پذیرد که در ماده ۳ همین آیین‌نامه روش اقدام از طریق درگاه و در ماده ۴ آن، روش اقدام از طریق دفاتر خدمات الکترونیک قضایی پیش‌بینی شده است.

دگرگونی‌های ثبت الکترونیک دادخواست:

ماده ۱۷۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ طرح دعوا به روش الکترونیکی را تجویز نموده است. استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی نیز با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی در مواد ۶۴۹ تا ۶۶۳ همان قانون می‌باشد (نهرینی، ۱۴۰۳: ۳۲۰). ازاین‌رو، الکترونیکی شدن فرایند ارائه دادخواست، به یکی از ویژگی‌های اساسی نظام دادرسی کنونی تبدیل شده است و ثبت دادخواست می‌بایست از طریق سامانه‌های الکترونیکی انجام شود. مواد مختلف آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۵ بر این الزام دلالت دارند؛ از جمله ماده ۱ و قسمت‌های «خ»، «ذ» و «ر» که از «هر یک از مراجعان به قوه قضائیه» سخن گفته‌اند. همچنین، ماده ۹ با تأکید بر «ایجاد حساب کاربری برای همه افراد» و ماده ۱۵ با الزام مخاطب به ثبت‌نام و دریافت حساب کاربری، بر ضرورت ثبت‌نام الکترونیکی و در نتیجه ثبت دادخواست به شیوه الکترونیکی دلالت دارند. افزون بر این، ماده ۲ آیین‌نامه مصوب ۱۴۰۱، اشخاص حقیقی و حقوقی را به طرح دعاوی از طریق سامانه‌های الکترونیکی و مخابراتی ملزم کرده است. این الزام از منظر اصول دادرسی نیز قابل بررسی است.

اصل کارایی:

کارا بودن دادرسی به معنای مفید فایده بودن قواعد و مقررات به کار رفته در دادرسی برای صدور رأی در قضیه متنازع فیه است به نحوی که بتوان دادرسی و آیین و رأی حاصل از آن را از منظر زمان و هزینه معقول و متعارف دانست (محسنی، ۱۳۹۷: ۲۶۷). در واقع، کارا بودن و بهینه‌سازی دادرسی و فرایند آن، همان نگرش اقتصادی به دادرسی است. بر این اساس، «اصل سرعت» و «اصل کاهش هزینه‌های دادرسی» به عنوان معیارهای اساسی در ارزیابی کارآمدی یک نظام قضایی شناخته می‌شوند. دسترسی سریع و به‌هنگام به دادگستری اولین قدم جهت احقاق حق می‌باشد که در اصل ۳۴ قانون اساسی تصریح شده است، به طوری که هر فردی که در هر کجای کشور زندگی می‌کند باید این امکان را داشته باشد که در سریع‌ترین زمان ممکن، بتواند به مرکز دادگستری مراجعه و تظلم بخواهد (نهرینی، ۱۴۰۰: ۶۳). آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۵، در فصل دوم

مقاله بررسی شده

با عنوان طرح شکایت و دعوا و ذیل مواد ۵ تا ۷ تأکید بر ثبت شکایت و دادخواست بر اساس آیین‌نامه ارائه خدمات الکترونیکی قضایی نموده است. بنابراین اصل سرعت در دسترسی به دادگستری مورد توجه این آیین‌نامه بوده است .آیین‌نامه مصوب ۱۴۰۱ نیز، در مواد ۲، ۳ و ۴ بر ثبت دادخواست به روش الکترونیکی تأکید کرده است. با الکترونیکی شدن ثبت دادخواست، امکان نقض شرایط ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی تا حد زیادی از میان می‌رود؛ چرا که خواهان هنگام ثبت دادخواست باید با ورود به سامانه، گزینه های مربوط را تکمیل کند و تا زمانی که این گزینه ها کامل نشده باشند، ثبت نهایی دادخواست امکان‌پذیر نخواهد بود. در نتیجه، کامل بودن دادخواست در وضعیت الکترونیکی موجب افزایش سرعت رسیدگی می‌شود. همچنین حضور الزامی کارشناس حقوقی در دفاتر خدمات قضایی، که در ماده ۸ آیین‌نامه مصوب ۱۴۰۱، تصریح شده است، نقش مهمی در ارسال صحیح دادخواست و در پی آن کاهش اطاله دادرسی دارد.

نابرابری آیینی ناشی از اجبار به ثبت الکترونیکی:

به موجب اصل برابری در دسترسی به عدالت، هر فرد باید بدون موانع غیرضروری بتواند حقوق خود را از طریق دادگاه‌ها پیگیری کند. افرادی که به تجهیزات لازم (رایانه و اینترنت پرسرعت) دسترسی ندارند یا با فناوری‌های نوین بیگانه هستند ممکن است در ثبت دادخواست با مشکل مواجه شوند. این اجبار می‌تواند به معنای ایجاد مانع جدی و جدید برای دسترسی آن‌ها به عدالت تلقی شود. در واقع نبود دسترسی به رایانه می‌تواند موجب نقض اصل برابری آیینی اصحاب دعوا شود (Jackson, 2007:84).با این حال، آیین‌نامه با الزامی دانستن ثبت دادخواست، فرض را بر این می‌گذارد که همه اصحاب پرونده دارای دسترسی به اینترنت و توانایی کار با سامانه‌های قضایی هستند.این در حالی است که در فرانسه در استفاده از این فناوری احتیاطات لازم صورت پذیرفته است، به موجب ماده ۷۴۸-۲ کد آیین دادرسی مدنی استفاده از طریقه الکترونیکی در هر حال نیازمند رضایت مخاطب می‌باشد، مگر اینکه قانون استفاده از این شیوه را الزامی کرده باشد و این به روشنی گویای اصل توافقی و رضایی بودن توسل به این شیوه است. همچنین، تلاش برای توافقی نگه داشتن استفاده از این شیوه‌ها تنها ناظر به پذیرش نیست بلکه عدول از این شیوه‌ها نیز اصولاً باید تابع همان اصل توافقی بودن باشد. این اصل از هر دو سو در مواد ۸-۷۴۸ و ۹-۷۴۸ کد آیین دادرسی مدنی فرانسه تصریح شده است. برخلاف حقوق ما، که هیچ تفکیکی میان افراد در مواجهه با این فناوری قائل نیست، قانونگذار فرانسوی میان اشخاص حرفه‌ای و عادی در مواجهه با این فناوری فرق به وجود آورده است؛

چرا که برابر قسمت اخیر ماده ۷۴۸-۲ صرف اتصال یک وابسته دادگستری (وکیل یا کارشناس) به شبکه ارتباط الکترونیک را به منزله رضایت وی به شیوه ابلاغ الکترونیکی دانسته است، در حالی که در کشور ما همه افراد بدون توجه به وضعیت آنان در مواجهه با فناوری به یک چشم نگریسته می‌شوند. چنین نگرشی برابری همه افراد را در دسترسی به عدالت به دنبال ندارد. این رویکرد در اصول مؤسسه حقوق اروپا نیز دیده می‌شود. بر پایه بند ۲ اصل ۳، دیجیتالی‌سازی باید از حقوق افراد آسیب‌پذیر محافظت کند و در صورت لزوم، روش‌های غیردیجیتال و کمک‌های فنی و عملی برای تضمین دسترسی برابر در دسترس باشد. ELI, (2026). ملاحظه می گردد که الزام یکسان همه اشخاص به ثبت الکترونیکی در آیین‌نامه‌های ایران، با معیار اروپایی فاصله دارد.

دگرگونی‌های ارجاع الکترونیک دادخواست:

پس از ثبت دادخواست، پرونده از طریق سامانه خدمات قضایی به مرجع قضایی صالح ارسال می‌گردد. ارجاع الکترونیکی پرونده به کارتابل مقام ارجاع، مرحله‌ای بسیار حساس است که مستقیماً با عدالت و سرعت فرایند در ارتباط است و با برخی از اصول دادرسی مرتبط است.

اصل سرعت:

ارجاع الکترونیکی در این مرحله به مقام ارجاع اجازه می‌دهد بی‌درنگ و بدون نیاز به جابه‌جایی فیزیکی پرونده، آن را به شعبه‌ای بر اساس صلاحیت موضوعی تخصیص دهد. این مورد نمونه‌ای از پایبندی آیین‌نامه به اصول ناظر بر کارآمدی و تسریع رسیدگی است.

اصل ضرورت شایستگی دادرس:

توجه به تخصص دادرس رسیدگی‌کننده، در ارجاع، مسئله‌ای مهم و در جهت رعایت اصل ضرورت شایستگی دادگستری و دادرس می‌باشد؛ چرا که یکی از مفاهیم شایستگی دادگستری و دادرس، که علی‌رغم اهمیت بسیار زیاد آن، به ویژه در دعاوی مدنی، به ندرت مورد بررسی قرار گرفته، کیفیت ساختاری دادگستری و توان

مقاله پذیرش شده

علمی و تجربه عملی و آشنایی با مقتضیات نوین دادگستری از سوی قضات می‌باشد، که به شدت در نیل به دادرسی صحیح و منصفانه مؤثر خواهد بود (شمس، 1386 ، ص ۶۶). به موجب ماده ۸ آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۵، مقام ارجاع دادخواست را با رعایت تخصص و ترتیب وصول، فوراً از طریق سمپ به یکی از شعب ارجاع می‌دهد. توجه آیین‌نامه به تخصص قضات دلالت بر این دارد که ارجاع دعاوی پیچیده به قضات کم‌تجربه، افزون بر اینکه موجب اطاله دادرسی خواهد شد، ممکن است نهایتاً منتهی به رأیی شود که با محتویات پرونده یا قانون مطابقتی نداشته باشد (شمس، ۱۳۸۶: ۱۳۰). بنابراین رعایت تخصص در راستای رعایت اصل رسیدگی در مدت معقول و متعارف می‌باشد که در ماده ۸ و تبصره آن مورد تأکید قرار گرفته است. در اصول مؤسسه حقوق اروپا نیز شایستگی فناورانه و مدیریتی قضات مورد توجه است: بند ۳ اصل ۴ ، مسئولیت اجرای دیجیتالی‌سازی را به قضاتی با تجربه مناسب در حوزه فناوری و مدیریت می‌سپارد و اصل ۱۸ بر ضرورت آموزش و راهنمایی مؤثر و منظم قضات و کارکنان دادگاه‌ها در به‌کارگیری فناوری تأکید دارد. بنابراین شایستگی دادرس در بستر الکترونیک، افزون بر تخصص موضوعی که ماده ۸ آیین‌نامه ۱۳۹۵ به آن توجه کرده است، می‌تواند توانمندی در به‌کارگیری سامانه‌های دیجیتال را نیز دربر گیرد.

ابهام در اقدامات فوری و تأمینی هنگام اختلال سامانه و خطر نقض اصل دسترسی آسان به عدالت:

از دیگر چالش‌های دادرسی الکترونیکی، نحوه انجام اقدامات فوری و تأمینی در فاصله ثبت الکترونیکی دادخواست تا ارجاع آن، به‌ویژه در شرایط قطعی یا اختلال سامانه‌های قضایی است. دسترسی مؤثر به دادگاه، مستند به اصل ۳۴ قانون اساسی، در دعاوی فوری مانند تأمین خواسته یا دستور موقت، مستلزم رسیدگی بدون تأخیر است. این مسئله با نابرابری در دسترسی به عدالت متفاوت است؛ زیرا در اینجا، مشکل نه توانایی اصحاب دعوا در استفاده از سامانه، بلکه اختلال خود سامانه است. به موجب ماده ۴ آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۵، هرگاه انجام امور از طریق سامانه امکان‌پذیر باشد، اقدامات موازی غیرالکترونیکی ممنوع است. بنابراین، در فرض قطعی کامل سامانه، ممنوعیت مذکور منتفی است و نمی‌توان آن را به‌خودی‌خود ناقض اصل دسترسی دانست. بااین‌حال، آیین‌نامه در خصوص اختلالات جزئی و مرحله‌ای ابهام دارد؛ ممکن است دادخواست ثبت و کد رهگیری صادر شود، اما ارجاع آن ممکن نباشد. همچنین، مقام صالح برای احراز اختلال، مرجع رسیدگی به درخواست فوری ثبت‌شده و ارجاع‌نشده و آثار تسلیم کاغذی مشخص نشده است. این ابهام اگرچه نقض مستقیم اصل دسترسی نیست، در عمل می‌تواند با تأخیر در رسیدگی، حق خواهان را تضییع کند. اصول

مؤسسه حقوق اروپا برای اختلال فنی سامانه نیز تمهیدات مشخصی پیش‌بینی کرده‌اند. بند ۴ اصل ۲۰ ایجاد سامانه‌های پشتیبان (بک‌آپ) را برای کاهش خطر خرابی فنی و تداوم عملکرد نظام دادرسی دیجیتال لازم می‌داند. افزون بر این، بند ۲ اصل ۳ و بند ۲ اصل ۹ حفظ روش‌های غیردیجیتال را در صورت لزوم برای تضمین دسترسی برابر لازم می‌دانند.(ELI, 2026). مفاد این مقررات را می‌توان ناظر بر تمایز میان «اقدام موازی» و «اقدام جایگزین» در مواجهه با اختلال سامانه دانست.

ابلاغ الکترونیکی:

ابلاغ اسناد و اوراق قضایی با استفاده از فناوری ارتباطات مجازی و الکترونیکی نظیر رایانامه، پیامک و ...، یکی از مهم‌ترین قسمت‌های فرایند دادرسی را تشکیل داده است که علی‌رغم مزایای بی‌شمارش، دارای چالش‌هایی نیز می‌باشد.

دگرگونی‌های ابلاغ الکترونیکی:

ابلاغ الکترونیکی این فرصت را ایجاد می‌کند که دادرسی از راه‌های ساده‌تر و با سرعت بیشتری مدیریت شود. ابلاغ به روش سنتی از عوامل شناخته‌شده اطاله دادرسی است. بنابراین استفاده از ابلاغ الکترونیکی موجب صرفه‌جویی در زمان می‌گردد با این حال، ابلاغ الکترونیکی در رابطه با اصول دادرسی اثری متفاوت به شرح زیر دارد.

اصل سرعت:

با ابلاغ الکترونیکی، وظیفه‌ای که مأمور ابلاغ وفق ماده 68 قانون آیین دادرسی مدنی موظف است ظرف ۲ روز به انجام برساند، به چندین ثانیه تقلیل می‌یابد. از سوی دیگر، یکی از موجبات تشکیل جلسه دادرسی، به موجب ماده ۸۳ قانون آیین دادرسی مدنی، احراز ابلاغ صحیح وقت به خوانده می‌باشد. مشکل عدم بازگشت جواب ابلاغیه و نامعلوم بودن وضعیت ابلاغ تا روز جلسه دادرسی، از عمده مشکلات نظام قضایی ایران در

دادرسی سنتی بود؛ مشکلی که موجب تجدید جلسه و اطاله دادرسی می‌شد که با ابلاغ الکترونیکی تا حد زیادی کاهش یافته است.

اصل رعایت حقوق دفاعی (جنبه اطلاع):

در حالی که در روش سنتی ابلاغ، دخالت عامل انسانی در فرایند ابلاغ امری اجتناب‌ناپذیر است (مواد ۷۵ تا ۷۷ ق.ا.د.م)، در روش الکترونیکی، در نحوه ابلاغ به مخاطب (خوانده)، این اشخاص دخالتی ندارند. علاوه بر این، نظام ابلاغ الکترونیکی با حذف محدودیت‌های جغرافیایی، امکان اطلاع‌رسانی هم‌زمان را برای تمامی مخاطبان فراهم آورده است. ایجاد سامانه تخصصی international.adliran.ir برای ایرانیان مقیم خارج از کشور، نقطه عطفی در تحقق این هدف محسوب می‌شود؛ به موجب ماده 5 «آیین نامه نحوه ارائه خدمات الکترونیک قضایی به ایرانیان خارج کشور » (مصوب 1405 رئیس قوه قضائیه) ابلاغ الکترونیک به ایرانیان خارج از کشور با رعایت آیین نامه مصوب 1395 انجام می شود. بنابراین ابلاغ به اشخاص ایرانی مقیم خارج از کشور، هم‌زمان با افراد مقیم داخل کشور انجام می‌پذیرد. با این تحول، «برابری در زمان و شیوه ارسال ابلاغ» میان مقیمان داخل و خارج از کشور فراهم می‌گردد.

اصل رعایت حریم خصوصی:

حریم خصوصی محدوده معقولی است که فرد انتظار دارد از دسترس دیگری مصون بماند (شاهمرادی ، فتحی، ۱۳۹۵: ۲۲۹). در ابلاغ سنتی، در صورت نبود مخاطب یا وابستگان وی، اخطاریه به اقامتگاه الصاق می‌شود و ممکن است همسایگان از محتوای آن مطلع شوند. همچنین، مطابق تبصره ۱ ماده ۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی، در ابلاغ به کارکنان دولت و مؤسسات عمومی، اشخاص دیگری نیز در فرایند ابلاغ دخالت دارند. در مقابل، ابلاغ الکترونیکی با ارسال مستقیم اوراق به حساب کاربری مخاطب، دسترسی اشخاص ثالث را کاهش داده و حریم خصوصی را بهتر تأمین می‌کند.

نقض اصل رعایت حقوق دفاعی با دوگانگی ابلاغ:

مقاله پذیرش شده

در حقوق ایران و فرانسه، ابلاغ به خود شخص (واقعی) و ابلاغ به اقامتگاه یا محل حضور (قانونی) بخش شده است. ابلاغ از ارکان دادرسی است که در اصول حقوق دفاعی و تقابل ریشه دارد (محسنی، ۱۳۹۷: ۳۲۳). به موجب ماده ۱۳ آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۵، وصول الکترونیکی اوراق به حساب کاربری مخاطب در سامانه ابلاغ، ابلاغ محسوب می‌شود. ورود به سامانه ابلاغ از طریق حساب کاربری و رؤیت اوراق از این طریق، به منزله رسید است. پس به موجب این ماده، ابتدا با وصول ابلاغیه به سامانه، ابلاغ قانونی صورت می‌گیرد و در ادامه چنانچه مخاطب وارد سامانه شود و ابلاغ را مشاهده کند، ابلاغ در حکم واقعی می‌گردد؛ بنابراین با وصول ورقه (به حساب کاربری) و مشاهده آن در دو زمان مختلف، دوگانگی ابلاغ پیش می‌آید (ابهری، ۱۳۹۷: ۴۰۴)؛ آیین‌نامه مشخص نکرده که مشاهده ابلاغ تا چه زمانی از تاریخ وصول به سامانه، کیفیت آن را تغییر می‌دهد؛ بنابراین بر اساس ظاهر این ماده، به فرض مثال اگر ابلاغیه وقت رسیدگی برای خوانده به صورت سیستمی ارسال شده باشد و وی یک روز قبل از جلسه دادرسی مبادرت به ملاحظه آن کند، آن ابلاغ در حکم واقعی و در نتیجه حکم نیز حضوری خواهد بود؛ در حالی که چنین برداشتی با اصل رعایت حقوق دفاعی در تعارض آشکار می‌باشد. این در حالی است که در فرانسه، به‌منظور کاهش آسیب‌های ناشی از ابلاغ الکترونیکی، صرفاً رؤیت ابلاغ در همان روز ارسال، موجب واقعی تلقی شدن آن دانسته شده است (محسنی، ۱۳۹۷: ۳۳۰).

نقض اصل رعایت حقوق دفاعی با فرض اطلاع مخاطب از ابلاغ الکترونیکی:

به موجب تبصره ۱ ماده ۱۳ آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۵، در ابلاغ الکترونیکی، مخاطب در صورتی می‌تواند اظهار بی‌اطلاعی کند که ثابت نماید، به لحاظ عدم دسترسی یا نقص در سامانه رایانه‌ای یا سامانه مخابراتی، از مفاد ابلاغ مطلع نشده است. این در حالی است که به صرف وصول ابلاغیه به حساب کاربری مخاطب، نمی‌توان وی را مطلع از مفاد ابلاغیه دانست. توضیح آنکه از نظر آیین‌نامه، زمانی ابلاغ صورت می‌گیرد که در سامانه درج شده باشد و مشاهده ابلاغیه در سامانه تعیین‌کننده کیفیت ابلاغ است. زمان درج در سامانه معمولاً قبل از دریافت پیامک است؛ بنابراین تا پیامکی به مخاطب ارسال نشده باشد، وی از اینکه ابلاغیه‌ای دارد مطلع نمی‌شود. از طرفی در زمان دریافت پیامک نیز مخاطب حقیقتاً از مفاد ابلاغیه بی‌خبر است، چرا که پیامک صرفاً اطلاع به مخاطب می‌دهد که ابلاغیه‌ای برای وی صادر و در حساب کاربری قرار گرفته است، بدون آنکه مشخص باشد محتوای ابلاغیه چیست و از کدام مرجع قانونی صادر شده و دارای چه ماهیتی است. این

بی‌اطلاعی حتی با ورود به سامانه نیز ادامه داشته و تنها با مشاهده ابلاغیه و مفاد آن، اطلاع حاصل می‌گردد؛ بنابراین چگونه می‌توان مدعی شد که با وصول ابلاغیه به حساب کاربری، مخاطب از مفاد ابلاغیه مطلع شده و باید بی‌اطلاعی خود را اثبات کند؟ آیین‌نامه همه استفاده‌کنندگان از سامانه را به یک چشم می‌بیند، در حالی که باید با تفکیک اشخاص حرفه‌ای (وکلا و کارشناسان دادگستری) و اشخاص عادی، از به‌کارگیری بی‌باکانه این فناوری خودداری نمود (محسنی، ۱۳۹۷: ۳۳۹).

نقض اصل رعایت حقوق دفاعی در ابلاغ به بی‌سوادان:

امروزه مفهوم سواد، در پرتو گسترش فناوری‌های دیجیتال، از معنای سنتی توانایی خواندن و نوشتن فراتر رفته است. در این راستا، سواد دیجیتال به مجموعه‌ای از توانایی‌ها و مهارت‌های مرتبط با استفاده از فناوری‌های دیجیتال اطلاق می‌شود و می‌تواند مؤلفه‌هایی همچون سواد رایانه‌ای، سواد فناوری اطلاعات و ارتباطات، سواد اطلاعاتی و سواد رسانه‌ای را دربرگیرد (UNESCO, 2026). نداشتن دانش الکترونیکی از معایب ابلاغ الکترونیکی است؛ چرا که درست است که فرد مبادرت به ثبت‌نام الکترونیکی نموده است، لیکن این ثبت‌نام ناشی از اجبار قانونی بوده است؛ بنابراین در فاصله بین ثبت‌نام الکترونیکی تا زمان ابلاغ، معمولاً تغییر آنچنانی در سواد وی به وجود نمی‌آید، در حالی که با ثبت‌نام الکترونیکی فرض بر این گذاشته می‌شود که همه افراد قادر به استفاده از سامانه هستند، حال آنکه در عمل بسیاری از افراد چنین قابلیتی ندارند. علاوه بر این، یکی از پیش‌شرط‌های دادرسی منصفانه، فراهم بودن مقدمات فهم و درک موضوع ورقه احضاریه از سوی مخاطب است. بر این پایه، قانونگذار در ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری بیان می‌دارد: «هرگاه شخص احضار شده بی‌سواد باشد، مأمور ابلاغ مفاد احضاریه را به وی تفهیم می‌کند.» ازاین‌رو، مأمور ابلاغ افزون بر وظیفه رساندن و تحویل ورقه، موظف شده است مفاد احضاریه را به مخاطب تفهیم نماید؛ ولی در آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی، هیچ تمهیدی برای اجرای مفاد ماده یادشده اندیشیده نشده است. استفاده از فناوری‌های جدید و روند دادرسی الکترونیکی، زمانی می‌تواند مؤثر باشد که بسترسازی مناسب فرهنگی و تجهیزاتی در بطن جامعه فراهم باشد و همه افراد جامعه در سطح قابل قبولی، از امکان برقراری ارتباط با محیط مجازی و نیز دسترسی به امکانات و فناوری‌های جدید برخوردار باشند (اسمعیلی، پورقهرمانی، ۱۳۹۸: ۴۰).

اصول مؤسسه حقوق اروپا نیز بر لزوم توجه به کاربران دارای سواد دیجیتال پایین یا نیازهای خاص تأکید دارند. در تفسیر اصل ۳، حمایت‌های عملی و فنی و دسترسی غیردیجیتال به نظام عدالت برای کسانی که مهارت فنی محدود، دسترسی ناکافی به تجهیزات یا سواد کمتری دارند لازم دانسته شده است. و اصل ۱۰ طراحی کاربرمحور و فراگیر را که نیازهای کاربران فاقد آموزش حقوقی و دارای محدودیت‌های شناختی، بینایی یا شنوایی را در نظر بگیرد مقرر می‌دارد (ELI 2026).در مقابل، همان‌گونه که گفته شد، آیین‌نامه ۱۳۹۵ تمهیدی معادل ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری برای تفهیم مفاد ابلاغیه ندارد.

نقض اصل رعایت حقوق دفاعی در ابلاغ به شخص فاقد ثنا:

برابر با ماده ۱۵ آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۵، در صورتی که مخاطب شماره تلفن یا پست الکترونیکی در دسترس نداشته باشد، مفاد ابلاغیه و ارسال اوراق به سامانه ابلاغ به وسیله ابلاغنامه، مطابق مقررات آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی در اقامتگاه وی ابلاغ می‌شود و در ادامه ماده آمده است: «در ابلاغنامه مقرر می‌گردد مخاطب موظف است جهت ثبت‌نام و دریافت حساب کاربری اقدام نماید و اینکه کلیه ابلاغ‌های بعدی از طریق سامانه ابلاغ انجام خواهد شد.» پس در همان ابلاغیه کاغذی ارسالی برای مخاطب، قید می‌گردد که وی موظف به ثبت‌نام الکترونیکی است تا کلیه ابلاغیه‌های بعدی از آن طریق ارسال شود و در ادامه آمده: «در صورت ابلاغ واقعی، ابلاغیه‌های بعدی صرفاً از طریق سامانه ابلاغ انجام می‌شود. در هر صورت پیوست‌های ابلاغیه فقط به صورت الکترونیکی ابلاغ می‌گردد».

ابلاغیه‌ای که توسط مأمور ابلاغ به روش سنتی ابلاغ می‌گردد، یا به خود مخاطب تسلیم و رسید دریافت می‌گردد که در این صورت ابلاغ واقعی است، یا ابلاغ قانونی انجام می‌پذیرد. بنابراین در ابلاغ واقعی، مخاطب مطلع می‌گردد که باید نسبت به ثبت‌نام الکترونیکی اقدام نماید. حال اگر وی اقدام به ثبت‌نام نکند، با توجه به اینکه ابلاغیه‌های بعدی صرفاً از طریق سامانه ارسال می‌شوند و وی فاقد حساب کاربری در سامانه است، تکلیف چیست؟ آیا می‌توان گفت که مخاطب، با عدم ثبت‌نام، علیه خود اقدام کرده است و ازاین‌رو، دادگاه تکلیفی در قبال وی ندارد؟ پاسخ به این پرسش نمی‌تواند مثبت باشد؛ چرا که یکی از وظایف دادگاه اطلاع‌رسانی به طرفین پرونده است و اصل رعایت حقوق دفاعی قابل خدشه و نقض نمی‌باشد. به دلیل اهمیت همین اصل است که در مواردی که از خوانده هیچ آدرسی هم در اختیار نباشد، می‌بایست ابلاغیه از

طریق روزنامه منتشر گردد، به امید اینکه شاید وی آن را ملاحظه کند ؛ بنابراین در هیچ موردی نمی‌توان از ابلاغ عدول نمود و کیفر فردی که نسبت به ثبت‌نام ثنا اقدام ننموده، هیچ مبنای منطقی ندارد. اگر ثبت‌نام الکترونیکی اختیاری بود، چنین چالشی به وجود نمی‌آمد؛ حال که به هر حال ثبت‌نام الکترونیکی اجباری است، با در نظر گرفتن این ماده چه راهکاری باید اتخاذ کرد؟ نگارندگان پاسخی برای این سؤال، با تصریح ماده ۱۵ به اینکه «در صورت ابلاغ واقعی، ابلاغ‌های بعدی صرفاً از طریق سامانه ابلاغ انجام می‌شود»، نمی‌یابند، مگر اینکه دادگاه با عدول از این قسمت، ابلاغیه‌ها را به روش سنتی ابلاغ نماید، لیکن پیوست‌های ابلاغیه را ضمیمه نکرده و ارسال آن را منوط به ثبت‌نام الکترونیکی مخاطب یا مراجعه حضوری وی به دادگستری کند. تنها با پیش‌بینی این وضعیت می‌توان از طرفی از نقض حقوق دفاعی خودداری کرد و هم از طرف دیگر برای بی‌تفاوتی مخاطب مسئولیت به بار آورد.

در صورت ابلاغ قانونی، چون اطلاع واقعی مخاطب از مفاد ابلاغیه حاصل نمی‌شود، ابلاغیه‌های بعدی نیز به صورت سنتی ابلاغ می‌گردد، ولی در ادامه آمده: «... در هر صورت پیوست‌های ابلاغیه فقط به صورت الکترونیکی ابلاغ می‌گردد.» سؤال این است که چرا باید در این حالت نسبت به ابلاغیه و پیوست‌های آن به دو شیوه متفاوت عمل نمود؟ هنگامی که قرار است ابلاغیه توسط مأمور ابلاغ به صورت سنتی ابلاغ شود یا از طریق نشر آگهی صورت گیرد، منطقی‌تر آن است که پیوست‌های ابلاغیه نیز همراه با آن ابلاغ شود؛ زیرا این تفکیک، توجیه منطقی قابل قبولی ندارد. به نظر می‌رسد قانونگذار با وضع این حکم، درصدد الزام مخاطب به ثبت‌نام الکترونیکی بوده است، بی‌آنکه به نحو کافی، آثار این الزام بر رعایت حقوق دفاعی وی مورد توجه قرار گرفته باشد؛ رویکردی که با الزامات دادرسی عادلانه و حق دسترسی مؤثر به اطلاعات مربوط به دعوا سازگار به نظر نمی‌رسد.

نیابت قضایی و اثرپذیری آن از مقررات الکترونیک:

نیابت قضایی به صورت الکترونیکی در فصل پنجم آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۵، پیش‌بینی شده است. به موجب ماده ۲۴ آیین‌نامه، درخواست انجام نیابت از طریق سمپ (سامانه مدیریت پرونده قضایی) به واحد قضایی مورد نظر ارسال می‌شود.

دگرگونی‌های نیابت قضایی الکترونیکی:

مقاله پذیرفته شده

نیابت الکترونیکی تحقق اصل کارایی را به دنبال دارد.

اصل کارایی:

در روش الکترونیکی، با ارسال نامه سیستمی، بلافاصله نیابت انجام می‌شود که این امر، سرعت در دادرسی را به دنبال دارد. علاوه بر این، پس از انجام موضوع نیابت توسط دادگاه مجری نیابت، پاسخ آن را در سمپ ثبت و گزارش آن را به دادگاه معطی نیابت ارسال می‌گردد، علاوه بر این، وقتی که ارسال موضوع نیابت به صورت سیستمی باشد، دیگر ضرورتی به حضور ذی‌نفع در دادگاه مجری نیابت نبوده که همین امر کاهش هزینه‌های دادرسی را برای وی به دنبال دارد.

رسیدگی از راه دور در چارچوب نیابت و اثرپذیری آن از مقررات الکترونیک:

به موجب ماده ۲۵ آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۵، دادگاه معطی نیابت می‌تواند تمام یا بخشی از مورد نیابت را از طریق ارتباط تصویری، صوتی یا الکترونیکی از راه دور انجام دهد و دادگاه مجری نیابت بر آن نظارت کند. برای مثال، دادگاه کرج می‌تواند برای استماع اظهارات شاهد مقیم مشهد، از دادگاه مشهد بخواهد شاهد را دعوت و امکان ارتباط الکترونیکی با دادگاه کرج را فراهم کند. در این حالت، دادگاه مشهد صرفاً رابط میان شاهد و دادگاه کرج است و استماع اظهارات توسط دادگاه معطی نیابت انجام می‌شود. هرچنداین ماده، ارتباط تصویری و صوتی را پیش‌بینی کرده، در اموری مانند شهادت، اظهارات طرفین و نظریه کارشناسی، ارتباط صرفاً تصویری فاقد کارکرد کافی است. ازاین‌رو، ویدئوکنفرانس به دلیل ترکیب صوت و تصویر، به جلسه حضوری نزدیک‌تر است. قرار گرفتن این حکم در مبحث نیابت نیز ناشی از نقش دادگاه مجری نیابت در برقراری این ارتباط است.

دگرگونی‌های رسیدگی الکترونیکی از راه دور:

رسیدگی از راه دور در رابطه با برخی از اصول دادرسی دارای مزیت و در مورد برخی دیگر دچار چالش است.

مقاله پذیرش شده

اصل کارایی:

اجرای ماده ۲۵ آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۵ می‌تواند به تحقق اصل سرعت و کاهش هزینه‌های دادرسی بینجامد. تأثیر آن بر سرعت رسیدگی را می‌توان از چند جهت بررسی کرد. نخست آنکه صدور قرار نیابت قضایی همواره امکان‌پذیر نیست؛ به‌ویژه در مواردی که مباشرت دادگاه ضرورت دارد یا شهادت شهود مبنای عمده رأی است. در این شرایط، رسیدگی از راه دور امکان انجام تحقیقات را بدون صدور نیابت فراهم می‌سازد. دوم آنکه، با توجه به قسمت اخیر ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی، اعتبار اقدامات دادگاه مجری نیابت منوط به وثوق دادگاه معطی نیابت است؛ ازاین‌رو، انجام مستقیم تحقیقات توسط دادگاه رسیدگی‌کننده می‌تواند فرایند ارزیابی ادله و صدور رأی را تسریع کند. همچنین، اجرای مواد ۲۴۳ و ۲۴۵ قانون مذکور درباره استماع شهادت در محل‌های دیگر یا از طریق نیابت قضایی، ممکن است موجب اطاله دادرسی شود؛ حال آنکه رسیدگی از راه دور می‌تواند این تأخیر را کاهش دهد.

از حیث هزینه‌ها نیز، این شیوه با کاهش ضرورت مراجعه حضوری به مقر دادگاه صالح یا دادگاه نیابت‌گیرنده، هزینه رفت‌وآمد و اتلاف وقت ذی‌نفع، شاهد و کارشناس را کاهش می‌دهد. افزون بر این، طرف مقابل برای اعمال حق پرسش از شاهد و جرح وی، در مواردی که حضور در دادگاه مستلزم سفر باشد، متحمل هزینه می‌شود؛ درحالی‌که رسیدگی الکترونیکی می‌تواند امکان مشارکت وی را بدون حضور فیزیکی فراهم کند. بنابراین، ماده ۲۵ ظرفیت کاهش هزینه‌ها و تسریع رسیدگی را دارد؛ مشروط بر آنکه حقوق دفاعی طرفین و امکان پرسش مؤثر از شهود حفظ شود.

چالش‌های اصل بی‌واسطگی در رسیدگی از راه دور:

ارزیابی اعتبار اظهارات، افزون بر محتوای گفتار، متأثر از نحوه ارائه و نشانه‌های ارتباطی همراه آن است. پژوهش های حقوقی نشان می‌دهد که واسطه‌شدن ارتباط از طریق ویدئوکنفرانس می‌تواند بر ارزیابی اعتبار اظهارات اثرگذار باشد؛ به‌گونه‌ای که اظهارات ارائه‌شده از راه دور، در برخی شرایط، کم‌اعتبارتر ادراک شده و ارزیابی اعتبار آن‌ها برای تصمیم‌گیرنده دشوارتر می‌شود (Given-Wilson & Memon, 2022: 1173). این یافته‌ها در چارچوب اصل بی‌واسطگی در ارزیابی ادله اهمیت دارد؛ اصلی که اقتضا می‌کند دادرس شخصاً اظهارات اصحاب دعوا، شهود و سایر اشخاص را استماع کند. رسیدگی از راه دور وفق ماده ۲۵ تا حدی این اصل را حفظ می‌کند، زیرا دادگاه معطی نیابت مستقیماً اظهارات را می‌شنود؛ بااین‌حال، چالش‌هایی باقی است. نخست، کاهش امکان مشاهده زبان بدن، حالات چهره و لحن مخاطب، راست‌آزمایی اظهارات را دشوار می‌کند. دوم، حضور فیزیکی در دادگاه می‌تواند حس مسئولیت و صداقت را تقویت کند، حال آنکه این اثر در ارتباط الکترونیکی کاهش می‌یابد. سوم، برخلاف روش حضوری، امکان مداخله عامل خارجی در تلقین یا راهنمایی مخاطب و تأثیر آن بر اظهارات وجود دارد.

اصول مؤسسه حقوق اروپا، رسیدگی از راه دور را با تضمین‌های فنی و آیینی همراه می‌کنند. بر اساس بند ۱ اصل ۱۳، باید ابزارهای امن برای برگزاری عادلانه و مؤثر جلسات دیجیتال، از جمله اتصال اینترنتی قابل‌اعتماد، فراهم شود و طرفین بتوانند استدلال‌های خود را آزادانه و در صورت لزوم به‌صورت خصوصی و محرمانه ارائه کنند. همچنین، به موجب قسمت f بند 1 اصل ۱۴، جلسات رسیدگی، اعم از حضوری یا آنلاین، باید ضبط و متن آن‌ها، در صورت امکان هم‌زمان، پیاده‌سازی شود تا سندی معتبر برای مراحل تجدیدنظر فراهم آید. این تدابیر اگرچه کاهش بی‌واسطگی را جبران نمی‌کنند، نظارت بر رسیدگی از راه دور و تضمین حقوق دفاعی را تقویت می‌کنند.

نتیجه :

اصلاح آیین‌نامه‌های ۱۳۹۵ و ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که توسعه فناوری در دادرسی، هرچند برای تسریع رسیدگی، کاهش هزینه‌ها و تسهیل دسترسی به خدمات قضایی انجام شده، در برخی موارد بدون تضمین‌های

متناسب برای حفظ اصول بنیادین دادرسی همراه بوده است. در طراحی برخی سازوکارها، کارایی بر برابری اصحاب دعوا، دسترسی مؤثر به دادگاه و حقوق دفاعی غلبه یافته است. اما ایراد اصلی صرفاً شناسایی این تعارض نیست؛ مقررات موجود باید به‌صورت مشخص و ماده‌محور اصلاح شوند.

نخست، ماده ۴ آیین‌نامه ۱۳۹۵ باید وضعیت اقدامات قضایی را هنگام اختلال یا قطعی سامانه روشن کند. پیشنهاد می‌شود تبصره‌ای به این ماده افزوده شود که طبق آن، هرگاه اختلال سامانه مانع ثبت یا ارسال اقدام قضایی شود، شخص بتواند آن را از طریق شیوه جایگزین غیرالکترونیکی در مرجع صالح یا دفتر خدمات الکترونیک قضایی انجام دهد. دوم، ماده ۱۵ همان آیین‌نامه باید به اشخاصی که به‌سبب فقدان سواد یا مهارت دیجیتال، نبود دسترسی مناسب به تجهیزات یا موانع مشابه توان استفاده مؤثر از سامانه‌ها را ندارند، اجازه دهد در شرایط مقرر از شیوه غیرالکترونیکی استفاده کنند؛ زیرا ناتوانی در استفاده از فناوری نباید به محرومیت از دفاع، اعتراض یا اعمال سایر حقوق قانونی بینجامد. سوم، در ابلاغ الکترونیکی باید میان صرف وصول ابلاغیه یا قرار گرفتن آن در حساب کاربری و دسترسی مؤثر مخاطب به محتوای آن تفکیک شود. به‌ویژه در نخستین ابلاغ، اگر دسترسی مؤثر مخاطب احراز نشده باشد، باید شیوه تکمیلی غیرالکترونیکی، مانند ابلاغ فیزیکی یا دیگر روش‌های قانونی، پیش‌بینی شود. چهارم، برای جلسات و بررسی ادله از طریق ویدئوکنفرانس، پیشنهاد می‌شود تبصره‌ای به ماده ۲۵ افزوده شود که احراز هویت طرفین و سایر حاضران، برقراری ارتباط هم‌زمان و پایدار صوتی و تصویری و امکان اعتراض به کیفیت ارتباط را مقرر کند. همچنین اگر اختلالی بر امکان دفاع، طرح پرسش، پاسخ‌گویی یا ارزیابی مستقیم ادله اثر مؤثر بگذارد، دادگاه باید مکلف به توقف جلسه و حسب مورد رفع اختلال، تغییر شیوه برگزاری یا تجدید جلسه باشد.پنجم، آیین‌نامه اجرایی دفاتر و کانون خدمات الکترونیک قضایی ۱۴۰۱ نیز باید سازوکار مشخصی برای ثبت و گزارش اختلال سامانه، پذیرش اقدامات جایگزین و حمایت از اشخاص فاقد توانایی مؤثر در استفاده از فناوری پیش‌بینی کند.در مجموع، اصلاح آیین‌نامه‌های دادرسی الکترونیکی باید از احکام کلی و توصیه‌های فاقد ضمانت اجرا فراتر رود و برای هر مشکل، قاعده مشخص، مرجع تصمیم‌گیر، سازوکار اجرایی و ضمانت‌اجرای معین تعیین کند. بدین‌ترتیب می‌توان میان کارایی دادرسی الکترونیکی و الزامات دادرسی عادلانه تعادل برقرار کرد. این پیشنهادها با اصول مؤسسه حقوق اروپا نیز همسو است: تبصره پیشنهادی ماده ۴ با بند ۴ اصل ۲۰ و بخش‌های مربوط به احراز هویت و ارتباط پایدار صوتی و تصویری در تبصره پیشنهادی ماده ۲۵ با بند ۱ اصل

۱۳ سازگار است. این همسویی نشان می‌دهد پیشنهادها صرفاً مبتنی بر دیدگاه نگارندگان نیست و با معیارهای شناخته‌شده اروپایی نیز پشتیبانی می‌شود.

منابع:

ابهری، حمید (۱۳۹۷). ابلاغ الکترونیک اوراق قضایی؛ مزایا و معایب، *فصلنامه حقوق خصوصی*، ۴۸(۳)، ۴۱۲-۴۰۱.

اسمعیلی، اکبر و پورقهرمانی، بابک (۱۳۹۸). چالش‌های فراروی دادرسی الکترونیک در ایران، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۲۴(۸۷)، ۵۹-۲۹.

شاهمرادی، خیرالله و فتحی، یونس (۱۳۹۶). گستره و قلمرو حریم خصوصی در فضای مجازی، *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، (۹۹)، ۲۵۲-۲۲۹.

شمس، عبدالله (۱۳۸۶). آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ چهاردهم، تهران، *انتشارات دراک*.

محسنی، حسن (۱۳۹۵). آیین دادرسی مدنی فرانسه، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، *شرکت سهامی انتشار*.

محسنی، حسن (۱۳۹۷). اداره جریان دادرسی برپایه همکاری و در چارچوب اصول دادرسی، چاپ چهارم، تهران، *شرکت سهامی انتشار*.

محسنی، حسن (۱۳۹۷). چالش‌های ابلاغ (سنتی، الکترونیک، سابقه و زبان)، *فصلنامه حقوق خصوصی*، ۴۸(۲)، ۳۴۱-۳۲۱.

محسنی، حسن (۱۳۸۵). مفهوم اصول دادرسی و نقش تفسیری آنها و چگونگی تمیز این اصول از تشریفات دادرسی، *مجله کانون وکلا*، (۱۹۲)، ۱۳۱-۹۹.

نهرینی، فریدون (۱۴۰۳). آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، *انتشارات گنج دانش*.

نهرینی، فریدون (۱۴۰۰). آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، چاپ دوم، تهران، *انتشارات گنج دانش*.

Abhari, H (2018) Electronic service of judicial documents; advantages and disadvantages, *Private Law Quarterly* 48(3) 401-412 (In Persian)

مقاله پذیرش شده

Esmaili, A. & Pourghahramani, B (2019), The Challenges of E-Proceedings in Iran, *Judicial Law Views Quarterly*, 87(24), 29-59 . (In Persian)

European Law Institute (ELI) (2026). ELI Principles on the Digitalisation of Civil Justice Systems in Europe. Vienna: *European Law Institute*.

Fabri, M. & Contini, F (eds) (2003), Judicial Electronic Data Interchange in Europe: Applications, Policies and Trends, Bologna, *Editrice Lo Scarabeo*

Given-Wilson, Z., & Memon, A. (2022). Seeing is believing? A systematic review of credibility perceptions of live and remote video-mediated communication in legal settings. *Applied Cognitive Psychology*, 36(6), 1168–1176.

Jackson, S (2007), New challenges for litigation age, *Deakin Law Review*, vol. 12, No. 1, p. 81-122.

Kramer, X., Hoevenaars, J., *Kas, B.* & Themeli, E. (2022). Frontiers in civil justice – privatising, digitising and funding justice*: Privatisation, monetisation and digitisation* (pp. 1–21). *Edward Elgar*. https://www.e-elgar.com/shop/gbp/frontiers-in-civil-justice-9781802203813.html

Mohseni, H., (2018), Challenging the notification, traditional, electronic, recent place & language, *Private Law Quarterly*, 48(2), 321-341. (In Persian)

Mohseni, H (2016) French code of Civil Procedure, Vol. 1, 4th ed., Tehran*: Enteshar Co.* (In Persian)

Mohseni, H, (2018), Management of Proceedings Based on Cooperation and Within the Framework of Procedural Principles, Tehran, *Enteshar Co*. 4th Ed. (In Persian)

Mohseni, H (2006), The Concept of Procedural Principles, Their Interpretive Role, and How to Distinguish Them from Procedural Formalities. *Bar Association Journal* (192), 99–131. (In Persian)

Shahmoradi, Kh, & Fathi, Y (2017) The vastness and the realm of privacy in cyberspace, Institute *for Humanities and Cultural Studies* (99) 229-252. (In Persian)

Shams, A (2007), Civil Procedure, Volume II, 14th Edition, Tehran: *Drak Publications (In Persian)*

Nahreini, F. (2024). Civil Procedure. Tehran: *Ganj Danesh Publications. Vol. 2, 3rd ed. (In Persian)*

Nahreini, F. (2021). *Civil Procedure*. Tehran: *Ganj Danesh Publications. Vol. 3, 2nd ed. (In Persian)*

UNESCO.(2026) *What You Need to Know about Literacy*. Paris, *United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.*

مقاله پذیرش شده